

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

گزارش ها

گزارشگران پورتال

۰۷.۰۶.۰۹

در افغانستان چه می گذرد؟

(۲۱)

1 - دستگیری پسر مولوی خالص:

به تاریخ شانزدهم جوزا پولیس پاکستان در مربوطات شهر پشاور انوارالحق مجاهد، پسر مولوی خالص جنایتکار را با دو تن از همراهانش به نام های شمس الاسلام و داکتر قلندر دستگیر کردند. مولوی خالص یکی از تیکه داران اسلام سیاسی با اینکه با ظهور دوباره طالبان وحشی از سن بسیار بالائی برخوردار بود، اما به طرفداری از طالبان موضع گرفت و بعد شبانه و به صورت مخفیانه از طریق تورخم به پشاور برده شد و در آنجا به حمایت از طالبان اعلامیه داد و تا بمرد در همان پشاور به صورت مخفیانه زندگی میکرد. مولوی خالص از همان اول در مقایسه با رهبران دیگر جهادی مورد حمایت طالبان قرار داشت و به او احترام میکردند. پسر مولوی که در جریان شکست طالبان در کنار طالبان قرار داشت و جبهه توره بوره را رهبری میکرد، بعد از ظهور دوباره طالبان بار دیگر این جبهه را فعال کرد و حملات بسیاری را بر پوسته های جلال آباد و نیروهای اشغالگر مستقر در جلال آباد تدارک دید و در میان پشاور و توره بوره همیشه در رفت و آمد بوده و مورد حمایت آی اس آی قرار داشت. خانواده او هم در پشاور زندگی میکرد و بالاخره حینیکه او به سوی پشاور در حرکت بود با دو دستیار مهمش دستگیر گردید، اینکه برخورد پاکستان با این قومندان مشهور طالبان چه خواهد بود تا هنوز روشن نیست. در چنین حالاتی در گذشته پاکستانی ها قومندانان طالب را به نیروهای امریکائی تحویل می دادند که بعداً به زندان میدان هوائی بگرام انتقال داده می شدند. در میدان هوائی بگرام فعلاً بیش از ۶۰۰ زندانی به سر میبرند که در دوبند خطرناکها و غیر خطرناکها اسیر اند.

۲ – معاون و سخنگوی مولانا صوفی محمد به قتل رسیدند:

مولانا صوفی محمد رهبر نفاذ شریعت در مالاکنڈ که معاهده صلح میان طالبان سوات و دولت پاکستان را به امضاء رساند از گذشته های دور یکی از مهره های اصلی آی اس آی به حساب می آید. این مولانا در زمان حمله امریکا به افغانستان بیش از ۱۸ هزار طالب را از منطقه زیر نفوذش جهت حمایت طالبان به شمال افغانستان فرستاد که از جمله ۱۳ هزار نفر به وسیله دوستمی ها در مزار و شیرغان به قتل رسیدند و دوباره به پاکستان برگشتند. خانواده های این ۱۳ هزار نفر که بعد از چند روز از کشته شدن عزیزان شان با خبر شدند بر ضد مولوی صوفی محمد دست به تظاهرات زدند و برای اینکه آی اس آی صوفی محمد را نجات بدهد به این بهانه که او را زندانی میکند به اسلام آباد

برد و بعد از آنکه حرکت طالبان در سوات عمیق شد، آی اس آی او را دوباره رها کرد و به سوات فرستاد و به این صورت آی اس آی تصمیم داشت تا او را به عنوان رهبر طالبان درین منطقه تثبیت نماید. اما طالبان به دساتیر او بعد از امضای معاهده واقعی نگذاشته و با ادامه حملات شان در دره آدم خیل و خیبر این معاهده را نقض کردند. چون رهبران طالبی که مخالف آی اس آی بودند این را میدانستند و به این صورت بعد از یورش اردوی پاکستان به سوات یکبارہ صوفی محمد لادرک شد و گفته میشود که تا حال گم است. اما در روزهای اول حمله اردوی پاکستان بر سوات به طور تصادفی پسر ارشد صوفی محمد به نام کفایت الله در یک بمباران طیاره های اردو به قتل رسید. اما چند روز قبل مولانا محمد علم که معاون صوفی محمد در نفاذ شریعت بود به وسیله سپاهیان پاکستانی دستگیر شد و بعد تر امیر عزت سخنگوی صوفی محمد نیز توسط همین نیروها دستگیر گردید. دیروز شانزدهم جوزا، اردوی پاکستان تصمیم به انتقال این دو به پشاور را داشتند و در حالیکه با نیرو های ارتش محافظت میشدند حین عبور از منطقه درگئی با یک حمله غافلگیرانه طالبان رو به رو شدند که در دم هم ملا علم و هم امیر عزت با یک تن از افراد اردو به قتل رسیدند و حمله آوران به زودی از منطقه متواری شدند که دیگر کاری از دست اردو بر نیامد. اینکه چرا طالبان عزم کردند که معاون و سخنگوی مولانا صوفی محمد را بکشند بسیاری به این باورند که طالبان بر روابط اینان نیز با آی اس آی شک دارند و فکر میکردند که با رسیدن این افراد به پشاور استخبارات پاکستان و سیا از آنان میتوانستند در سر کوب طالبان سود ببرند، لذا قبل از رسیدن شان به پشاور به قتل رسیدند. اردوی پاکستان از نظر روانی زیر فشار سنگینی قرار گرفته، چون همه انتقاد دارند که اردو قادر نیست زندانی ها را به پشاور برسانند و در راه زندانیان را از دست میدهد. این درحالیکه روز جمعه در مسجدی در مرکز سوات طالبان بم گزاری کرده حین ادای نماز این بم را منفجر کردند که در نتیجه بیش از چهل تن از نمازگزاران به قتل رسیدند و بیش از صد نفر دیگر زخمی شدند. با این حادثه مردم سوات به شدت خشمگین شده طالبان را نیروی نا مسلمان خواندند و از دولت پاکستان طالب سلاح شدند تا علیه نیروهای طالب در سوات بجنگند.

۳ - میرکی از کاندیداتوریش گذشت:

از جمله ۴۴ کاندید ریاست جمهوری پوشالی در افغانستان یکی هم داوود میرکی بود. او که چندی قبل با اعتراض بر نا شفاف بودن پروسه انتخابات از کاندیداتوریش کنار رفت، روز پانزدهم جوزا طرفداران او در جلال آباد مرکز ولایت ننگرهار دست به یک گردهمایی زده و به این ترتیب از کاندیداتوری اشرف غنی احمدزی حمایت کردند. بسیاری این گرد همائی و این اعلان را به شدت مضحک و مسخره میخوانند. زیرا وقتی میرکی به خاطر نا شفاف بودن این انتخابات خود از آن صرف نظر کرد پس چه دلیلی وجود دارد که این انتخابات برای اشرف غنی باید شفاف باشد!! عده ای ازین کاندیدان که توان شرکت در آن را ندارند و یا میبینند که مورد پذیرش بادار و امپراتوری امپریالیستی قرار نمیگیرند، با این بهانه که چون انتخابات مورد پسند شان نیست تیر میشوند، معلوم نیست که آقای میرکی از اول چرا به این نتیجه نرسیده بود که این قدر سرو صدا راه انداخت و بعد به نفع اشرف غنی تیر شد. در صورتیکه در افغانستان اشغالی این قدر نیروی خارجی وجود دارد و هر امری از سفارت امریکا در کابل هدایت و رهبری میشود و مردم هم به صراحت میگویند که هرکسی را امریکا بخواهد به قدرت میرسد، لذا شکوه کردن از شفافیت و غیر شفافیت این انتخابات چه معنی دارد. آقای میرکی بیشتر از اینکه از نا شفاف بودن انتخابات ناراضی باشد فکر میکند که با تیر شدن خود ازین کاندیداتوری برای اشرف غنی کمپاین کرده و لابد چیزی از او اخذ کرده و یا بهتر بگوئیم خود را فروخته

است. اینکه این قیمت گزاف و یا کم بوده خدا میداند. به هر حال اشرف غنی هم یکی از کاندیدان پولدار میباشد که فقط تا حال یک اختلاس ۱۵۰ میلیون دالریش رسوا شده است.

۴ - کاندیدان شورا های ولایتی:

جدال بر سر اخذ چوکی های شوراهای ولایتی نیز درین روز ها به اوج خود رسیده است. برای این کرسی بیشترین نوچه های جنگسالار، خود را کاندید کرده و تلاش دارند تا ازین طریق به مشرانو جرگه برسند. بسیاری افراد این شوراها اکنون برای حامد کرزی کمپاین میکنند و در همین روز ها این شوراها یکی پی دیگری به کابل می آیند و با گرفتن امتیازات پولی و غیره از کرزی جیب های شانرا پر میسازند. در میان افراد شوراهای ولایتی طیف وسیعی از جنگسالاران و طالبان قرار دارند و این ارگان ها یکی از وطنفروش ترین ارگان های قدرت به حساب می آید. اکثر آنان در ولایات با فساد و رشوه خواری های والی ها و قومندانان امنیه شریک میباشند و تا مغز استخوان خون توده ها را میمکند. تعدادی از آنان با طالبان نیز هماهنگی دارند و بسیاری شان روزانه هر صبح به دفتر های پی آر تی که عموماً در خارج از شهر ها قرار گاه دارند حاضری میدهند و طی چهار سال گذشته این ارگانها بی نهایت نزد مردم به عنوان شوراها فاسد و وطنفروش شناخته میشوند. اکثر اموال به اصطلاح کمکی که از سوی پی آر تی ها و انجو ها به مردم داده میشود توسط این شورا ها توزیع شده و بخش اعظم آنها را میدزدند. تعداد کسانی که درین شوراها در سر تا سر افغانستان قرار دارند به ۴۲۰ نفر میرسند و برای انتخابات آن بیش از ۳۳۰ نفر خود را کاندید کرده اند. عده ای از کسانی که در چهار سال گذشته عضو این شورا ها بوده و مزه آنرا چشیده اینک بار دیگر خود را کاندید کرده اند، اما مردم در ولایات از عملکرد اینان کاملاً آگاه اند و حال دیده شود که چقدر مردم درین انتخابات برای این فاسدان و وطنفروشان رأی خواهند داد. شرکت در این انتخابات جز مهر گذاشتن بر فساد و وطنفروشی چیز دیگری بوده نمیتواند. درین شورا ها نیز چون ولسی جرگه و مشرانو جرگه بیشتر قاتلان و دزدان قرار دارند و شرکت در آن چیزی جز نشستن در کنار این وطنفروشان چیز دیگری نیست که این خود نوعی وطنفروشی و بی حیثیتی است که هیچ انسان با شرفی در آن ها شرکت نخواهند کرد.